

خانه و خانواده



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء

محمد مصطفی و ال طاهرینش

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم ایه 21

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس
خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما
دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی
است برای مردمی که می اندیشند،

یکی از معجزات الهی مساله ازدواج است که مرد و زنی که قبل ازدواج
شاید اصلاً هیچوقت هم رو ندیده بودند و محبتی بهم نداشتند اما با
ازدواج با هم، نسبت بهم محبت پیدا می کنند. و گاهی از محبت
بالا تر، عاشق هم میشوند.

اگر فرزندانی متولد شوند خانواده به تمام معنی محقق میشود.

برای اینکه این خانواده استحکام داشته باشد و بسوی کمال حرکت کند نیاز به آموزش است. مخصوصا مرد که سرپرست خانواده است باید اطلاعات بالایی در موضوعات مختلف داشته باشد. در این کتاب به بعضی مهارت‌هایی که باید والدین داشته باشند پرداخته شده است.

مطالب این کتاب سخنرانی‌هایی است که در مسجد ایرادشده و حالا تبدیل به متن گردیده است.

پاییز 1404. کرمانشاه

یاد دادن ادب به فرزندان

یکی از وظایفی که سرپرست خانواده داره اینه که به فرزندان ادب یاد بده. حالا این ادب چی هست ادب تقریباً با حیا وجوه مشترکی داره با حیا بودن با ادب بودن مثلاً تو مسجد همیشه انسان داد بزنه. تو مسجد داد زدن حرام نیست ولی خلاف ادب هست تو کوچه دارید میرید در خانه باز هست نباید داخل خانه مردم نگاه کنید این حرام نیست ولی بی ادبی حساب میشه مثلاً سر سفره نشستید اونجا باید ادب سفره را رعایت کنید. مخصوصاً اگر بزرگی سر سفره است .

امام هادی علیه السلام مهمان بودند همه رعایت حرمت امام کردند غیر از یه جوانی هرهر می خندید و حرف های نامربوط میزد امام هادی یک نگاهی بش کردند و فرمودند در خنده زیاده روی می کنی و غافلی در حالی که سه روز دیگر می میری بعد از سه روز صدای گریه و فریاد از خانه این جوان بلند شد و جوان مذکور از دنیا رفته.

و همچنین ادب نسبت به قرآن بعضیا دیدم گوشی موبایل رو قرآن میذارند. اینجا دیدم رحلو میذارند رو قرآن مثلاً مهر میذارن رو قرآن باید انسان ادب نسبت به قرآن رعایت بکنه دیدم بعضیا پاشون درازه یا پاشون رو این پا انداخته داره قرآن میخونه در حالی که اگر شما نگاه بکنید بزرگان ما چقدر رعایت ادب نسبت به قرآن داشتند.

آیت الله نائینی که این ایام سالگرد شه وقتی قرآن میاوردن استخاره بکنه بلند میشد وایمیستاد استخاره میکرد.

همسر انسان نسبت بهش باید ادب داشته باشه میگویند حضرت امام سفره مینداختن تا همسرش نمیآمد دست به غذا نمیزد یا مثلاً حضرت امام نشسته بود خانمش وارد میشد امام بلند میشد کی این کارو میکنه از ما نسبت به همسر

بنابراین اینها رو ما اگر خودمون پدر مادر رو انجام بدن بچهها یاد میگیرن بچهها نگاه میکنن میبینن والدین چه رفتاری دارن یاد میگیرن

یه جوانی رو گرفتن که به چند دختر بچه تجاوز کرده بود گفت من. در خانه‌ای بزرگ شدم پدر و مادرم لخت مادرزاد جلو من ظاهر می‌شدند! پدر و مادراگر لخت جلو بچه ظاهر میشه بعداً این بچه چی میشه! بچه متجاوز میشه یا آثار منفی داره چشماش داره می‌بینه ضبط می‌کنه مثل دوربین فیلمبرداری بعداً اینا در جامعه بازخورد داره لذا میگن که بزرگترین میراث یک پدر و مادر به فرزندشان ادب هست نگاه بکنید این فرزندی که باقی مونده چه جور آدمیه.

سید مصطفی خمینی که ایام سالگردشه تا پیش مادرش می‌رفت خم می‌شد دست مادرشو می‌بوسید.

درباره ادب نسبت به مادر نقل شده یکی از شهدا رو میگن وقتی توی اتاقی مادرش بود بالاتر از مادرش نمی‌نشست همیشه پایین‌تر می‌نشست بعد که می‌خواست از اتاق بیرون بره مثل امامزاده آدم رو به امامزاده پشت عقب عقب میره، رو به مادرش دست به سینه می‌گذاشت این شهید غفوری ظاهراً ایشون دست به سینه می‌ذاشت نسبت به مادرش عقب عقب از در بیرون می‌رفت ببینید. اینا برای ما درسه

سال 1357 بهمن حضرت امام می‌خواد از هواپیما بیاد پایین تمام مردم ایران منتظرند رهبر ببینند برادر بزرگ امام آقای پسندیده اونجا بود تو هواپیما امام فرمود من جلوتر از ایشون نمیرم حالا همه می‌خوان امام رو ببینن نه آقای پسندیده. اما امام فرمود من جلوتر از برادر نمی‌رم دیگه قرار شد آقای پسندیده از هواپیما پیاده بشه بره بعد حضرت امام پیاده بشند. فرمودند من جلوی ایشون راه نمی‌رم.

مدارا

یکی از وظایف پدر خانواده اینه که خانواده رو طوری تربیت بکنه که این خانواده استحکامش از بین نره بچه‌ها آسیب نبینند و این نیاز دارد به اینکه از ابزار مدارا و رفق استفاده کنه

مدارا و رفق یعنی آدم نرم باشه خشن نباشه همین چند وقت پیش بود خانمی تماس داشت گفت مثلاً این شوهر ما با اینکه آدم مومنی است اهل نماز اهل مسجده پسر ما رفته یه قلیون الکتریکی هست قلیون هست برقیه حالا اون ضررش کمتره. از این قلیون استفاده کرده شوهر ما فهمیده گفت طوری این بچه رو کتک زد سرشو به دیوار میزد. بچه دیوانه میشه روانی میشه خیلی بده پدرهایی که اینجور خشن با بچه هاشون برخورد می کنند.

باز یه موردی پدر شنید که چهارشنبه سوری بچه ها رفتن ترقه و اینا خریدند. دختر و پسرش هر دو رو به ستون خانه بست پسر رو آنقدر زد که مُرد پسر مُرد! دخترم به حالت بیهوش افتاده واقعا اینا در زندگیشون نمیتونن موفق باشن. باز همین چند وقت پیش. دو تا برادر شنیدند که مادرشان که بیوه هست با یه آقای ارتباط دارند نگو که این خانم با این آقا عقد کرده حالا گذاشته یه وقتی در یه فرصت مناسبی به بچه هاش بگه نگفته بود آقا این دو تا پسر این مادر بیچاره رو با چاقو انقدر زدن که این مادره از دنیا رفت بعد از اینکه از دنیا رفت فهمیدن بابا این مادر عقد کرده بوده محرم بوده به این آقا دیگه پشیمانی هم

نداره اینایی که اینجوری عصبی هستند زود تصمیم می گیرن زود قضاوت
عجولانه می کنند. اینا نمی تونن خانواده رو درست در مسیر خوب هدایت
بکنند

مرد خانه باید خیلی ارازش قوی باشه خیلی صبور باشه وقتی که خلافی را
از فرزندش دید بله باید برخورد بکنه اما چه جور برخورد بکنه
برخوردی که باعث تنبیه این بچه بشه هدایت بشه نه اینکه باعث
شکست فرزند بشه.

ما داشتیم پدر خیلی مومن بود اهل مسجد بود پسر قماربازی
کرده. باباش آنقدر این پسر را کتک زد که پسر فرار کرد رفت یه شهر
دیگه. اگر میموند شاید به درجات بالای خوبی می رسید ولی بعداً شد یه
دست فروش آخرشون یه دست فروش ببینید برخوردهایی که ما
می کنیم

یا مثلاً بعضیا با زنشون چه جور برخورد می کنند من تو حرم حضرت
معصومه بودم یه جوانی امد گفت حاج آقا زن من زن خوبی بود. من خیلی
اذیتش می کردم هی صبر کرد صبر کرد صبر کرد آخرش که دیگه

صبرش تمام شد طلاق گرفت الان من پشیمانم اما هرچی بهش میگم
برگرد دیگه برنمیگرده من چیکار بکنم. اری شما اذیتش کردی که حالا
دیگه حاضر نشه به هیچ عنوان به خانه برگرده و طلاق گرفته و دیگه
حاضر نیست با شما زندگی بکنه این رفتارهایی است که اسلام اینا رو
همه رو رد می کنه رفتارهای خشن تند اذیت کردن بچه رو تنبیه و
زیاده روی کردن در تنبیه مردوده. بله در حد اینکه شما مثلاً سه روز
باهاش قهر کنید با بچت خوبه ولی بیشتر نشه حضرت امام متوجه شد
دخترش یه کار نامناسبی کرده. حضرت امام ناراحت شد با چوب زد به
دیوار. بترسه چوب شکست و برگشت خورد به دختر حضرت امام و
ایشون دستش زخمی شد حضرت امام دیه شو پرداخت کرد بچه خودش
ولی دیشو پرداخت با اینکه عمدی هم نبود خب سهوی بود

نقل  آیت الله شهید اشرفی شهید شده بود. من آمدم کرمانشاه، رفتم
خانه ایشان و به آقازاده اش گفتم: خوب یک خاطره از ایشان بگویید

می گفت: پدر من از آشپزخانه می خواست به اتاق برود. خوب 
پیرمرد بود حدود ۸۰، ۹۰ سال، عصا دستش بود. یک مرتبه دید که
گربه دارد می دود گوشت دهانش است! تا دید گوشت دهانش است، با
عصا روی گربه زد.

بعد از این کار پدرم به اتاق رفت و گفت: چرا زدی؟ گربه 
غریزه اش این است که هر جا گوشت دید ببرد. چون هم گرسنه اش
است هم بچه دارد. تو هنر داری باید گوشت خودت را حفظ کنی. تو
وظیفه ات این است که گوشت را حفظ کنی. گربه هم غریزه اش این
است که گوشت را دید ببرد. تو به وظیفه ات عمل نکردی ولی او به
غریزه اش عمل کرده است. مقصر تو هستی

گفت: حسین 

من هم آمدم گفتم: بله آقا 

گفت: برو گربه را بیاور عذرخواهی کنم. گفتم: بابا ول کن 

سفت گرفت، گفتم: بابا ول کن. آخر گربه که عذرخواهی 
نمی‌خواهد.

گفت: من به ایشان بیخود چوب زدم. من وظیفه دارم، حیوان غریزه؛ 
وظیفه من حفظ گوشت است. غریزه او هم اینکه گوشت را ببرد. من به
!وظیفه عمل نکردم و مقصر من هستم. نه گربه

گفتم: خوب حالا عوضش گوشت را برد. این گوشت برای اینکه ... 
. گفت: نه! این چوبی که من زدم به او، این گناه کردم. هرچه گفتم دیدم
ایشان سفت گرفته که آقا تو را به خدا برو او را بیاور. این گربه در
سرداب رفته. برو او را بیاور

گفتم: آقا گربه را مگر می‌شود گرفت؟ مرغ که نیست. گربه چنگ
می‌اندازد صورتمان را زخمی می‌کند

گفت: بین یک کلاه روی سرت بکش، چشم‌هایت پیدا باشد. دستت
را بکن در این کیسه‌هایی که در حمام کیسه می‌کشند. صورتت را هم
.پیوشان، این را بگیر و بیاور

گفتم: آقا ولم کن! دیدم پیرمرد التماس می‌کند. دلم برای پدرم
سوخت. صورتم را پوشاندم و خلاصه دستکش دست کردم و رفتم در
زیر زمین، یواش این گربه را گرفتم. حالا از او هم می‌ترسم. آن را به
.آیت الله اشرفی دادم

آیت الله اشرفی گربه را بغل گرفت و مرتب می‌گفت: «خدایا!
مرا ببخش! ظلم کردم. این حیوان که گناه نکرده بود. این باید گوشت را
ببرد. من باید حفظ کنم. خدایا من را ببخش» برای ما صحنه عجیبی پیش

آمده بود و ما بهت زده شدیم. بعد از آن هر وقت آیت الله اشرفی می خواست غذا بخورد یک مقدار غذا در یک ظرف می کرد، پیرمرد ۸۰، ۹۰ ساله زیرزمین می برد و به گربه می داد و برمی گشت غذا می خورد. می گفت: باید این چوب را جبران کنم. آیت الله اشرفی که شهید شد، می گفت: این گربه تا صبح زوزه می کشید. هرچه غذا به این گربه دادیم نخورد. پیکر پدر را اصفهان بردیم. گربه ای هم که چند سال در خانه ما بود، رفت که رفت. حیوان ها شعور دارند. علمای ما اگه یه دفعه یک حرکتی هم از شون صادر می شد فوری عذرخواهی می کردند پشیمان می شدن.

احکام اسلام بنفع انسانهاست

اسلام احکامی که دارد همه به نفع انسان است مخصوصاً در مورد تربیت دینی فرزندان

خدای فرماید و امر اهلک بالصلوه و اصطر علیها

که خانوادت رو به نماز سفارش بکن و بر این مسئله هم مداومت بکن یه روز و دو روز نیست پیرمردی نماز نمی خواند! بهش گفتن نماز بخون گفت اگه شروع کنم دیگه باید تا آخر بخوانم مثلاً اینجور نیست که شما فقط فردا نماز بخونی باید تا آخر بخونید خیلی از این مشکلاتی که ما الان در خانواده‌ها داریم به خاطر اینکه ما به جای عمل به دستورات اسلام ، ما به رسم و رسومات عمل می‌کنیم. من یه نمونه عرض بکنم ما خواهرمان شوهرش قاضی بود ایشون سال ۸۶ داشتن با شوهرشون با ۵ تا بچه می‌رفتن محل ماموریت در راه تصادفی صورت گرفت خواهر ما مرحوم شد حتی بچه‌ای که تو بغلش بود هیچیش نشد هیچکی هیچیش نشد یه وقت اجل میاد خب حالا این آقای خسروی قاضی پنج تا بچه داره شب سوم من ایشون رو کنار کشیدم گفتم آقای خسروی شما الان می‌خواید برگردید محل ماموریت پنج تا بچه دارید. به من اجازه بده من

برای شما همسر بگیرم! گفت هرچی شما صلاح می‌دونید من حرفی ندارم به یکی از خواهرزاده‌ها از خواهر دیگری زنگ زدم و گفتم خانم شما لیسانس دارید دختری باید با یه پسر ازدواج بیا جهاد بکنه فداکاری بکن با این آقای خسروی ازدواج کن بچه‌های ایشونو بزرگ کن ایشون گفت دایی شما هرچی بگید من حرفی ندارم. کسی رفته خانه مردی که ۵ تا بچه داره بچه‌های شیطان دو تا بچه‌ام خودش ایشون از شوهر خدا بهشون داد ۷ تا بچه

الان زندگی خیلی خوبی داره از سال ۸۶ تا الان نه اختلاف نه دعوایی نه مسئله‌ای

حالا تو مردم کسی بمیره باید سال بگذره نه یه سال دو سال بعد بگذره یه آقای دامادش مرحوم شد گفتم خب به فکر این باش که دختری ازدواج کنه گفت خیر نباید دخترم ئیگه ازدواج کنه. باید بچه‌هاشو بزرگ کنه این چه حرفیه خب این خانم نیازهایی داره باید نیازاش تامین بشه ببینید بابایی هست که میگه حق نداره این دختر چون شوهرش مرده

دیگه نباید ازدواج کنه باید تا آخر بچه‌ها رو بزرگ کنه کی اینو گفته
قرآن گفته خدا گفته پیامبر گفته من میگم!

خب برای همینه که بعد دچار مشکلات میشند. حذاقلش این دختر را
دچار آسیب روحی میشه بنابراین باید ما به اسلام عمل بکنیم و در خیلی
از جاها مدیریت باید

یکی از علما دید پسرش نماز شب نمی‌خونه یه بار سحر بیدارش کرد
گفت بریم حرم باید بریم حرم حالا در نجف بوده همیشه اونجا در حرم
چند تا گدا میشستن سحرا. وقتی این عالم با فرزندش به در حرم رسید
گفت ببین اینا اومدن از خوابشون گذشتن که دو فلوس گیرشون بیاد
اون وقت خدا می‌فرماید اگر نماز شب بخوانید یه چیزی بهتون میدن که
هنوز چشمی مانند اون ندیده گوشه‌ی مانند اون نشنیده اون نعمت‌هایی به
شما میدن آیا ارزش نداره اینا برا دو تا فلوس از خوابشون گذاشتن ما
نباید برای اون نعمت‌های که خدا گفته از خوابمون بگذریم اینجوری
بهشون تذکر داد.

خانمی به یک نفر عالم گفت پسر من برای نماز بلند همیشه چیکار کنم
گفت خانم اگر این پسر تو اتاقی باشه اون اتاق آتش بگیره چیکار
می‌کنی گفت سریع میرم به اصطلاح بیدارش می‌کنم هر طور شده حتی
اگه بیدارم نشه کشان کشان از اتاق میارمش بیرون گفت شما برای آتش
دنیا این کارو انجام بدید برای آتش آخرت هم برای نماز بیدارش کن
دیگه یه آتش آخرت نیفته.

برای اینکه فرزند نجات بچه‌ای که نماز خواند باشه در از زندان و سر از
اعتیاد و سر از انحرافات در نیاره خداوند این نماز رو قرار داده .خدا در
نماز چه واکسنی قرار داده که در مقابل بدیها ادم را واکسینه میکنه که
فرمود: ان الصلاة تنها عن الفحشاء والمنکر

مسئولیت مهم سرپرست خانواده

کسانی که سرپرست خانواده هستند مسئولیت سنگینی به عهده دارند
آقا رسول الله فرمودند که فرزند به گردن پدر سه تا حق داره اسم خوب
براش انتخاب کنه. و همچنین قرآن بهش یاد بده و ادب بهش یاد بده
بحثمون امشب درباره ادب هست که ما بچه ها رو با ادب بار بیاریم نقل
است ایه الله بروجردی مهمان داشتند بعد می خواست مهمان بره پسر

آیت‌الله بروجردی جلوتر از مهمان حرکت کرد آیت‌الله بروجردی خیلی ناراحت شد به پسرش گفت شما هنوز ادب نداری که نباید جلوتر از مهمان راه بری جلوتر از مهمان نباید از در بیرون برید

باید پدر مرتب تذکر بده نصیحت‌های که حضرت لقمان در. سوره لقمان برای فرزندش گفته: پسرم با تکبر راه نرو پسرم این کارو نکن این کارو انجام نده

امیرالمومنین به امام حسن نصیحت‌هایی داره شاید معنی ۱۰ ۱۵ صفحه نصیحت داره

نصیحت‌ها را پدر را نباید فروگذار بکنند باید به مناسبت‌های مختلف بگن که بچه‌شون با ادب بار بیاند

بچه که با ادب باشه در مسائل مختلف ادب خودشو نشون میده مثلاً. شما با این بچه‌ها رفتید مهمونی اونجا دیگه اذیت نمی‌کنن بچه‌هایی که با ادب هستند ولی بچه‌هایی که بی‌ادب هستند اذیت می‌کنند.

امام جمعه ای ما را دعوت کرده بود برای سخنرانی ماهم رفتیم اونجا
سخنرانی کردیم بعد از سخنرانی سفره انداختن سر سفره دو تا از جوونا
شروع کردن با هم دعوا کردن خیلی امام جمعه ناراحت شد .

میگه من مهمان دعوت کردم در حضور مهمان من اینا دارن با هم دعوا
میکنن سر مثلاً غذا .دارن جلوی مردم به هم فحاشی می کنند علامت
بی ادبیه اینا پدرانشون در ادب اینا کوتاهی کردن

ما تو اتوبوس قم بودیم با پدرمون داشتیم جایی می رفتیم جلومون
صندلی بود زن و مردی بودند.حالا یا زن و شوهر بودن یا دوست
پسر.یک کارهای خلاف ادب میکردند. دختر سرشو می کرد تو گردن
مرده و مرد هم همینطور.بشون گفتم آقا اینجا اتوبوسه! اتاق خواب که
نیست!

. الانم بعضی از خانم ها خیال می کنند این خیابون اتاق خوابه نافشون
پیدااست بدنشون پیدااست. با لباس خواب میان بیرون با لباس که تو خانه
هستند میان بیرون اینا چرا اینجوری هستند چون اینا پدراشون
مادرشون ادب یادشون ندادند...

تربیت باید از کودکی انجام شود

بچه‌ها وقتی که کوچک هستند مثل موم در دست ما نرم هستند ما
میتونیم اونها را به هر حالتی در بیاریم. اگر اون موقع روشن کار کردیم
همونطور که به مسائل نیازهای مادیشون رسیدگی کردیم به خورد و
خوراکشون به **مسائل معنویشونم** رسیدگی کردیم وقتی که بزرگ شدن
به ما خدمت می‌کنند برای ما باعث افتخار میشن مثل همین شهدای

بزرگوار ما معلما مثل آدمای خوب ولی اگر اونارو مثل علف هرز رها کردیم و اینا وقتی که رشد کردن تو این کوچه ها و تو این جاهای نامناسب بدون نظارت با رفیقای نامناسب. معلوم است که ادم خوبی نمیشوند.

یه آقای تماس داشت گفت برادر من پسری داره ۱۵۰ کیلو آمده به پدرش فحش داده فحش پدر و مادر به پدرش داده کتکش زده! برادر منو کتک زده ما هم اگه دخالت کنیم مارا هم کتک میزنه گفتم خب این معلوم هستش که این پدر زمانی که این بچه بوده روش خیلی به اصطلاح کار نکرده

ما در روایت داریم که باید سختگیری بشه به تربیت بچه ها. پیامبر فرمود امر کنید بچه هاتون نماز بخونند اگه نخوندن تنبیهشون کنید فاضربوهم بزنی دشون اجازه داده پیامبر تنبیه رو برای نماز باز خانمی تماس داشتن گفتن پسر من ۱۸ سالشه نماز نمیخونه چیکار کنیم گفتیم خانم دیگه دیر شده اون زمانی که بچه بود باید روش کار

می کردید. الان ۱۸ سالش شده. بهش بگید نماز بخون نمیخونه. بعد
میخواهید چیکار بکنید؟

یکی از هیئات امنا مسجدی از یکی از مساجد یکی از شهرستان ها
مدتی بود مسجد نمی آمد من رفتم مغازه اش. چاقوی بزرگی همراه
داشت. میگفت پسر من میاد سراغم میگه یا پول بده یا می زنمت! یا پول
بده یا میزنم

عجب اگر ما بچه ها رو خوب تربیت نکنیم فردا میشن قاتل خودمون!
مضر میشن! آبروی ما رو می برن

حاج خانم گفت رفتم امامزاده اونجا پیرزنی بود گفت این پسر منو
میزنه

متاسفانه وقتی که ما غفلت کنیم اینا رو رها کنیم. بچه نیارید یا اگه بچه
آوردیم باید تربیتش کنیم یا زن نگیریم یا اگر زن گرفتیم باید به
وظایفون عمل کنیم.

لطیفه: میگند جوانی عروسیش بود یه دفعه دیدن آقا از داخل حجله با
سرعت فرار کرد رفت گفتند آقا کجا داری میری گفت من توی حجله

گوشمو گذاشتم رو شکم عروس خانم! دیدم یه بچه می‌گه کفش می‌خوام
یه بچه می‌گه کیف می‌خوام یه بچه می‌گه پول! من نمیتونم اینا رو اداره
کنم. اری حالا که زن گرفتی بچه آوردی باید تربیتش کنی ما روحانی
داشتیم در قم بچه رو رها کرده بود خب بچه پسر هروئینی شد ایشونم
سید بزرگواری بود مال گیلان بود از علمای گیلان بود ولی بچش تو
کوچه‌ها بودن آخرش هروئینی شد پسرش
قاضی داشتیم قاضی پسرش معتاد خلافتکار شد

بزرگان ما که اینا بعضیاشون بچه‌هاشون بد شدن نظارت نکردن تربیت
نکردند

ما روز قیامت مسئولیم به ما خطاب میشود اگر شما در تربیت فرزند
زحمتتو کشیدی. واقعا تو تربیت کار کردی حالا خوب نشد اون دیگه
بعهده شما نیست خدا با شما کاری نداره می‌گه شما وظیفه انجام دادی
مثل حضرت نوح حضرت نوح وظیفه‌شو انجام داد حالا پسرش بد شد
دیگه به گردن حضرت نوح نیست ولی اگر ما وظیفه‌مون انجام ندادیم
الان شما شب برو تو یه کوچه ببین چند تا از این بچه‌هایی که قبلاً هم

مسجد می آمدن یکیشون یاسین اون اوایل طوری بود میامد کلاس.
مادرش مرتب میاد دم در بینه پسرش واقعا تو کلاس است یا نه الان
پسر رو رها کردن تو کوچه سرشون تو گوشی ...

. بنده از کمپ ترک اعتیاد بازدید کردم پسری ۱۶ ساله اونجا بود گفتم
شما برای چی معتاد شدی گفت حاج آقا دایی منو معتاد کرد دایی!
ما اگر غفلت کنیم از همون فامیل ضربه می خوریم انشاالله که اونایی که
بچه دارند مخصوصا اگر در حد نوجوانی هستند بتوانند به اصطلاح
پیگیری بکنن و مطالعه کنند درباره تربیت کودک طبق دستورات اسلام.
به اونا مراجعه بکنند مطالعه بکنند بتوانند بچه های خوبی تربیت بکنند

وفاداری زن و شوهر بهم

از نظر واقعی وقتی که یک زن و شوهر مسلمانی با همدیگه ازدواج می‌کنند عاقد اصلی خداست خود خدا فرموده ازدواج کنید در قرآن لذا زن و شوهر وقتی که به وسیله خدا عقدشون خونده می‌شه باید نسبت به هم وفادار باشند اگر مشکلاتی برای مرد پیش میاد زن باید برای صبوری بکند. نباید خدا نکرده مرد دچار یه مشکلی شد فوری زن ازش جدا بشه بره با یکی دیگه ازدواج کنه یا برعکسش اگر زن دچار بیماری سختی شد مرد بره زن دیگری بگیره!

ما سراغ داریم آقای که ۲۰ سال زن سرطان داشت و همیشه افتاده بود و آقا به من می‌گفت من خودم پوشکشو عوض می‌کنم تا زمانی که این زن زنده بود این آقا ازدواج نکرد. وقتی خانمش از دنیا رفت این آقا رفت زن دیگری گرفت. باریکلا به این آقایونی که اینجور هستند

موردی خودکشی داشتیم خانمی ۳۰ ساله خودکشی کرده بود گفتن که شوهرش رفته مثلاً یه زن دیگری صیغه کرده

در هر حال وقتی که زن و شوهری با هم ازدواج می‌کنند باید به هم وفادار باشند اگر مرد هم می‌خواهد زن دیگری بگیرد باید طبق قوانین اسلام بگیرد که باید عدالت رعایت بکند نه اینکه زن دومی گرفت دیگر زن اولی را رها کند. یا دوتا زن بگیرد و عدالت رعایت نکند.

ما رفتیم در یه مغازه لوازم صوتی وسیله ای بگیریم. مغازه دار گفت حاج آقا من یه سوال دارم بفرمایید گفت خانمی هست پسر داره دختر داره شوهر داره داماد داره عروس داره یه دفعه میگه من طلاق می‌خوام بدون هیچ دلیلی مثلاً ارزش سؤال می‌کنن شما دلیلت چیه مثلاً خرجی بهت نمیده بد اخلاقی می‌کنه خوش اخلاق نیست؟ میگه هیچ مشکلی ندارم ولی طلاق می‌خوام.

خب این خلاف دستورات الهی هست که یک کسی به خاطر هوای نفس پشت بزنه به تمام زندگی که داشته و هم آبرو و اعتبار خودشو از دست میده و همین که خانواده از هم پاشیده میشه

همچنین مرد خانه نباید در مسائل اقتصادی طوری عمل بکند که سر کارش به زندان بیفته و خانواده‌اش که روزی تالار گرفتن و چقدر

احترام و چقدر عزت داشتند حالا روزهای دوشنبه برن که ملاقات کنن با
شوهرشون تو زندان!

چرا باید مرد یه کاری انجام بده که سرش به زندان کارش به زندان
بیفته. به خاطر خیانت در امانت!

خیانت در امانت کرد و کارش به زندان افتاد اینم باز به اصطلاح باعث
می‌شود که به اعتبار خانواده ضرر وارد بشه و
نکته دیگر اینکه فرزندان از نظر اسلام امانت هستند باید انسان در
رسیدن به کمال اینا تلاش بکنه

در مورد استفاده فرزندان از تلویزیون و گوشی باید زیاده روی نشود. والا
صدا و سیما و این گوشی که در اختیار بچه ها اگر مثلاً یه بچه صبح تا
شب پا تلویزیونونه. بعد از مدتی انواع مریضی‌ها آرتروز میگیره و
چشمشم ضعیف میشه وبعد از نظر روحی و روانی هم مشکل پیدا کرده
خب این پدر و مادر باید کنترل کنن رو بچه‌هاشون برای بچه‌هاشون

برنامه بزارن شما یه ساعت مثلاً تلویزیون استفاده کنه یه ساعت می‌تونی
از گوشی اونم با نظارت استفاده کنه

میانه روی در خرج کردن

یکی از مهارت های زندگی مربوط به مسائل مالی است. انسان طوری از نظر اقتصادی خرج کنه که طبق قرآن میان رو باشه نه خسیس بازی در بیاره نه آنقدر زیاد خرج کنه که بعد ورشکست بشه و سر از زندان دریاره

همچنین درآمد را از راه حلال در بیاره

آقا رفته پیش دکتر بیمارستان گوششو عمل بکنه ۳۵ میلیون تومن

بیمارستان گرفته خود دکتر هم صد میلیون تومن گرفته!

اقای دکتر این پول حرام هست میاری تو زندگی خرج می کنی نمی دانی

بعداً از این پول حرام چه محصولی به عمل میاد

پسر پا میشه بابا رو می کشه یا پدر مجبور میشه پسر رو بکشه اینا بخاطر

آثار حرام هست

بعضی مردها خسیس هستند. دارند ولی برا خانواده خرج نمی کنند.

خانم میگه که منو معرفی کنید کمیته امداد! میگه می خوام دندونامو
درست کنم پول ندارم می گیم شوهرت؟ میگه شوهرم بازاریه اما این
شوهرم به من پول نمیده برم دندونامو درست کنم داره و نمیده
لذا در روایات ما آمده که امام رضا(ع) فرمود مرد طوری بخیل نباشه که
خانواده اش آرزوی مرگشو بکنن! بگن این زودتر بمیره حالا که زنده
است که به ما پول نمیده لذا بمیره لااقل از ثروتش استفاده کنه بعد از
مردن

امام رضا (ع) فرمود بعضی از مردها طوری خسیس بازی در میارن. زن و
بچه شون میگن خدایا مرگشوبرسون ما از ثروتش استفاده کنیم!
کسانی که وضع مالیشون خوبه. همیشه با دست پر خانه برند و به خانواده
توسعه بدهند

علت شکست در زندگی

بعضی از مردها در زندگی خودشون شکست می‌خورند برای اینکه اون مهارت‌هایی که باید مرد خانواده بلد باشه اون مهارت‌ها را یاد نگرفتند. یکی از مهارت‌هایی که باید کسانی که همسر دارند رعایت کنند اینه که موفقیت‌ها را بگن ولی شکست‌ها رو نگن !

مثلاً رفته مصاحبه تو مصاحبه رد شده لازم نیست بیاد به خانمش بگه من تو مصاحبه رد شدم

یا تو خیابون تصادف کرده لازم نیست حتماً تصادف کرده بیاد به خانمش بگه. یا چکش برگشت خورده یا جایی ضامن شده اون ضامن اون طرف که وام گرفته پول نداده قسط نداده حساب اینا مسدود کردن یا با کسی دعوا شده یا تو اداره تویبخش کردن این شکست‌هایی که برای انسان طبیعی هم هست پیش میاد این شکست‌ها رو مرد برای

همسرش نگه متاسفانه بعضی از مردها اکثراً هر اتفاقی که بیرون میفته تا

میان تو خونه برای خانمشون میگن. و این باعث میشه اون شکست‌ها رو

وقتی میگه، تو ذهن خانمش یک آدم ناموفق جلوه بکنه

ولی موفقیت‌ها رو بگه مثلاً بگه خانم امروز تو اداره منو تشویق کردن

مثلاً تو مصاحبه قبول شدم بین دو نفر اصلاح ایجاد کردم به حمدالله دو

نفر با هم دعوا داشتن من رفتم دعوا کردن و امثال اینا

بعضیا میگن خب اگر مرد این چیزا رو برای زنش نگه. بده **چون زن**

شریک زندگیه باید خبردار بشه نباید آدم پنهان کاری بکنه اینجوری

میگن نباید پنهان کاری بکنی

در جواب می گوییم همسر انسان به گردن شوهرش این حقوقو داره

یکی اینکه خرجشو باید بده دوم مهریه شو اگه مطالبه کنه باید بهش

بده. سوم ۴ ماه یک بارم حق همبستری داره این سه تا حق مال همسر

هست.

دیگه همسر به گردن آدم لذا لازم نیست همه چیو به همسر بگیم! حتی

درآمدهایی که داریم لازم نیست ما درآمدهامون هم به همسرمون بگیم

که چقدر در آمد داریم ولی خب باید خرجشو بدید حقشو ادا بکنیم
بنابراین بعضی از مردها تو خانه کسی گوش به حرفشون دیگه نمیده
دیگه تو خانه عزت و احترام ندارن علتش اینه که اینقدر برای خانواده
گفتن که دیگه تو ذهن خانواده، این مرد آدم موفق نیست.

اینکه میگند مومن وقتی که سکوت می کنه حکیم هست مومن آدم کم
حرفی هست یکیش برمی گرده به این که کم حرفی به اینه که آدمای
پر حرف سفره دلشو برای همه باز می کنه

در حالی که حتی برای رفیق ترین و صمیمی ترین فرد هم شما نباید
شکست هایی که داشتید بگید ولی موفقیت ها رو انسان بگه ایرادی نداره.
اری یکی از مهارت های زندگی هست که ماها باید اینو بلد باشیم میگن
که مثلاً فرزند ادیسون وقتی که مدرسه می رفت بالاخره یه روز مدیر
مدرسه نامه ای داد سربسته گفت این نامه رو به مادرت بده .

ادیسون میاد نامه رو به مادرش میده مادرش نامه رو می خونه می گه که
آقا پسر! مدیر خیلی ازت تعریف کرده گفته خیلی تو دانش آموز خوبی
هستی درست خوبه !

حالا در حالی که تو نامه. مدیر نوشته بود که این بچه شما آدم کم ذهنی
است کند ذهنی است درس ها رو نمی فهمه اصلاً دیگه مدرسه نیاد!

ادیسون وقتی که این جملات را از مادرش شنید که مدیر ارزش تعریف
کرده این دیگه بال در آورد و باعث موفقیتش شد دیگه می دونید که بیش
از هزار اختراع داشته است.

بنابراین ما لازم نیست همه مسائل رو بگیریم ما باید رازدار باشیم اول
رازهای خودمونو حفظ کنیم

اهمیت لقمه حلال در خانواده

یکی از مسئولیت‌هایی که پدر خانواده داره اینه که از راه حلال هزینه‌ها و درآمدها رو جبران بکنه از راه حرام نباشه. یکی از آقایونی که فرمانده نیروی انتظامی بوده در یکی از شهرها گفت دو تا قتلی که اتفاق افتاد یک مورد پدر پسر را کشت یک مورد پسر پدر رو کشت و ما وقتی که بررسی کردیم دیدیم هر دوشون که خانواده‌های متمکن و پولداری هم بودند رباخوار بوده‌اند.

عاقبت رباخواری اینه که پدر پسر رو میکشه یا پسر پدر رو میکشه یا فجایع مانند این پیش میاد. لذا خداوند به ما در قرآن دستور داده گفته کلوا مما فی الارض حلالا طيبا.. یعنی درآمد هم حلال باشه هم طیب باشه "پاکیزه باشه" انشای یک دانش آموز، درمورد "پول حلال"

نان حلال خیلی خیلی خوب است. من نان حلال را خیلی دوست دارم. ما باید همیشه دنبال نان حلال باشیم، مثل آقا تقی

آقا تقی یک ماست‌بندی دارد. او همیشه پول آب مغازه را سر وقت می‌دهد تا آبی که در شیرها می‌ریزد، حلال باشد. آقا تقی می‌گوید: آدم باید یک لقمه نان حلال به زن و بچه‌اش بدهد تا فردا که سرش را گذاشت روی زمین و عمرش تمام شد، پشت سرش بد و بیراه نباشد.

دایی من هم کارمند یک شرکت است. او می‌گوید: تا مطمئن نشوم که ارباب رجوع از ته دل راضی شده، از او رشوه نمی‌گیرم. آدم باید دنبال نان حلال باشد.

دایی‌ام می‌گوید: من ارباب رجوع را مجبور می‌کنم قسم بخورد که راضی است و بعد رشوه می‌گیرم! داییم می‌گوید: تا پول آدم حلال نباشد، برکت نمی‌کند.

پول حرام بی‌برکت است.

ولی پدرم یک کارگر است و من فکر می‌کنم پولش حرام است؛ چون
هیچ وقت برکت ندارد و همیشه وسط برج کم می‌آورد. تازه یارانه‌ها را
خرج می‌کند و پول آب و برق و گاز را نداریم که بدهیم. ماه قبل، برق ما
را قطع کردند، چون پولش را نداده بودیم دیشب می‌خواستم به پدرم
بگویم

کاش دنبال یک لقمه نان حلال بودی!

مهمانی مختلط ممنوع

یکی از مهارت‌های زندگی که مربوط به سرپرست خانواده و اعضای خانواده است این است که در مهمانی‌ها مواظبت کنند دقت کنند. اگر در مهمانی‌ها ما دقت نکنیم باعث آسیب به خانواده میشه

بنده در این مسجد بودم یک غروبی جوانی آمد و گفت فلانی من سه روزه که داره اشک از چشمم سرازیر میشه و گریه می‌کنم پرسیدم چی شده گفت رفیق صمیمیم متوجه شدم با همسرم ارتباط نامشروع داشته! این بر اثر چی هست بر اثر مهمانی‌های مختلف هست که فلان رفیق امشب میخواست بیاد خانه همه سر به سفره میشینن. همه توی حال روی مبل‌ها می‌شینن به هم نگاه می‌کنند این نگاه‌ها به قول امیرالمومنین چشم جاسوس قلب هست جاسوس دل هست!

زدست دیده و دل هر دو فریاد! هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد! زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

یعنی همه مشکلات ما از این چشم است!

در روایات هم آمده که اگر کسی چشمشو کنترل کنه. از اکثر گناهان
در امان میماند

خب تو این مهمانی‌ها ی مختلط باعث می‌شود که این ارتباطات نامشروع
خدای ناکرده پیدا بشه

ما دعوت بودیم منزلی با حاج خانم . صاحبخانه میخواست همه زن و
مرد یکجا باشیم.

من گفتم باید زنها برن جدا تو اتاق بشینن مردا جدا بشه

این دستور اسلام است که اختلاط بین زنو مرد نباشد. حتی حضرت امام
حرام می‌دونستن نامحرمای فامیل سر یه سفره باشن. مثلا زن داداش سر
یه سفره باشه حتی ایشون اشکال میدونستن. پسر دایی دختر دایی سر
یه سفره باشند ایشون اشکال می‌دونستن نمی‌داشتن تا زنده بودن
نمی‌داشتن تو مهمانی‌های خانوادگیشون این اتفاق بیفته

چرا اسلام این سخت‌گیری رو انجام داده برای اینکه دچار آسیب نشه
خیلی از این ارتباطات از مهمانیها شروع می‌شه همین عروسیا

عروسی های ما اکثراً غیر اسلامی هست از بعضی از همین عروسی ها ارتباطات تامشروع شروع میشه.لذا سرپرست خانواده وظیفه داره محکم بایسته و نذاره که مهمانی ها اختلاط باشه بگه آقا زنا جدا باشن مردا جدا باشن حالا می خواد بدش بیاد بدشون بیاد از فامیلا بدشون بیاد ما باید تابع اسلام

پیامبر ما مثل یک طبیب هست پزشک مهربانی که می خواد ما رو درمان کنه ما دچار مریضی های مختلف هستیم این شهوت های ما رو سرکوب کنه این. آسیب هایی که باعث میشه که یه خانواده ای از هم پاشه خیلی از این قتل هایی که شما تو اینترنت سرچ کنید قتل هایی که اتفاق می افته در کشور ما بر اثر مسائل ناموسیه بر اثر همین ارتباطات است

نکته دیگه اینکه لباسی که بچه ها می پوشند لباس مناسبی باشد.ولی می بینیم بعضی پسر دخترها لباس نامناسب می پوشند.دختر لباسی پوشیده که نافشونم دیگه پیدا شده بعضی از خانم ها خب اینا پدر ندارن اینا برادر ندارن شوهر ندارن. چرا اینا انقدر بی غیرت هستن که اجازه میدن دخترشون زنشون خواهرشون اینجور بیرون بیاد اینا بد نمی دونم که این

کارایی که انجام میدن این آزادی به ضرر خودشونه الان کشورهای غربی
خود آمریکا به این نتیجه رسیدن زن‌هاشون که ما باید به خانه برگردیم
زن نباید تو جامعه تو خیابون و اینا رها باشه زن باید تو خانه باشه لذا
امیرالمومنین به امام حسن میگه میتوانی نذار. خانومت از خانه
بیرون بره نذار با مردها ارتباط داشته

حتی ما در روایت داریم زن‌ها را طبقه بالا جا ندید طبقه بالا تو تهران من
می‌رفتم طبقه بالا خانم آمده نشسته تو بالکن و همه بدنشم پیدا و چیزی
هم سرش نیست و بدنشم پیدا بود برای مردم تماشا!

والدین مسئول سلامت روح و روان و جسم فرزندان

والدین مسئول سلامت روح و روان و جسم فرزندان خود هستند و هرچه اطلاعات انسان بالاتر باشد بهتر می‌تواند سلامت اعضای خانواده را تضمین بکند و هر چقدر اطلاعات والدین پایین‌تر باشد اینها بچه‌ها بیشتر دچار آسیب می‌شوند. نباید والدین بی تفاوت باشند مبادا بچه‌ها از دست ببرند.

بنده در سال ۸۰ تا ۸۴ که مدیر حوزه علمیه بودم

یک خانمی در حالی که رساله آیت الله فاضل در دست داشت آمد حوزه علمیه حالا. گفت من دامادی دارم این داماد ما رفته کرمانشاه کلیسا و کتاب انجیل خریده مطالعه می‌کند و گویا ایشان مسیحی شده الان اینجا توی رساله ایه الله فاضل نوشته اینها مرتدن چه بکنیم ما؟

گفتم خانم اگر این صحت داشته باشد به دخترت بگو دیگه از ایشان جدا بشه و ایشان حکمش اعدام هست و تنها موردی که قبل از مرگ ارثو تقسیم می‌کن مال مرده. و بدنشم دیگه ایشان نجس هست

ایشون رفتن و این مطلب را منتقل کردند گویا یک زلزله‌ای تو خانواده
اونها آمد!

خانواده همین مرد جلسه گذاشتن بنده رو دعوت کردن رفتم اونجا
گفتم اون جوان کیه؟ نشانش دادند. یک جوان ۲۴ ساله موهای حنایی
بود. گفتم شما مسیحی شدید گفت نه حاج آقا من مسلمانم. گفتم نه شما
کلیسا رفتی انجیل مطالعه می‌کنی! گفت نه نه من انجیلو گرفتم از روی
کنجکاوی خوندم چیزی هم ازش نفهمیدم!
دیگه بلند شد و شهادتین رو گفت و زنش رو هم دوباره عقد جدید
خواندیم و اینجور جلو انحرافش گرفته شد.